

## تبیین تأثیر الگوی انقلاب اسلامی بر نظام بین الملل

سیروس حاجی زاده<sup>۱</sup>

اولین همایش بین المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

### چکیده

انقلاب اسلامی ایران به عنوان انقلابی منحصر به فرد در قرن جدید که به تعبیر حضرت امام(ره) هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام، از سایر انقلاب‌های جهان جداست، از نظر ریشه‌های تاریخی، خاستگاه نظری و فلسفی و نیز از نظر دامنه و عمق تأثیرگذاری در نظام بین الملل، جایگاهی ویژه و برجسته دارد. به باور عالمان علوم سیاسی و اجتماعی، انقلاب اسلامی در گستره جهانی، تا کنون تأثیرات عمده‌ای بر نظام بین الملل داشته است. این انقلاب از نظر ساختاری، الگوی نظم نوین جهانی مبتنی بر انگاره غرب را به چالش کشیده و در پی ایجاد نظامی مطلوب با هدف تقویت و توسعه بازیگران دولتی «با رویکرد مقاومت» و غیردولتی («جنبش‌ها و ملت‌های آزادی‌بخش») در صحنه نظام بین المللی است و در «سطح کارکردی» نیز از مباحثی مانند عدالت، معنویت، اخلاق، صلح و امنیت به عنوان بستر ساز تمدن‌سازی اسلامی حمایت می‌کند.

این مقاله برای تبیین الگوی مطرح‌شده، ابتدا به مفاهیم سپس به تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر هندسه نظام بین الملل و واکنش سایر کشورها در قبال اقدامات انقلاب اسلامی ایران پرداخته است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد انقلاب اسلامی ایران، به دلیل داشتن ماهیت معرفتی، دارای وجهه بین المللی است و به لحاظ دامنه و گستره جهان‌شمولی، رسالت‌هایی را در قبال جهان برای خود طراحی کرده و اصولی را به عنوان سیاست خارجی خود برگزیده و در راستای تحقق آنها گام برداشته که باعث شده است در کانون تأثیرات، تغییرات و تحولات متعددی بر نظام بین الملل باشد.

### واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، نظام بین الملل، تمدن‌سازی

۱. دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه جامع امام حسین(ع)



## مقدمه

هرچند نباید نقش تحولات غیرانقلابی را در ساختن نظام بین‌الملل نادیده گرفت، اما نقش بارز انقلاب‌ها و تحولات انقلابی در این زمینه انکارناشدنی است (ملکوئیان، ۱۳۸۴: ۷۲). حتی انقلاب پایه و مبنایی برای نظام دوقطبی به وجود آورد، به مسابقه تسلیحاتی دامن زد، موجب موارد متعددی از رقابت بین ابرقدرت‌ها شد و ثبات سیاسی داخلی قدرت‌های بزرگ را در معرض تهدید قرار داد.

انقلاب اسلامی ایران دارای نظام ارزشی منبعث از مبانی اسلامی است که مبنای رفتارهای آن است. در بعضی موارد با قواعد و هنجارهای بین‌المللی سازگاری و همگرایی دارد و در برخی زمینه‌ها با آنها تعارض پیدا می‌کند. انقلاب اسلامی برای خود رسالت، تعهد و نقشی خاص در جهان قائل است که ساختار نظام بین‌الملل را به چالش می‌کشد و تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بنابراین پژوهش حاضر درصدد است تأثیرات انقلاب اسلامی را به عنوان طرحی نو برای تغییرات و تحولات نظام بین‌الملل پس از پیروزی انقلاب اسلامی مورد مذاقه قرار دهد. بر این اساس پرسش اصلی این است که «انقلاب اسلامی ایران چه تأثیرات و تحولاتی بر نظام بین‌الملل داشته است؟» فرضیه پژوهش در پاسخ به پرسش مقاله این است که «انقلاب اسلامی ایران (در سطح ساختاری) ساختار سیاسی نحوه توزیع قدرت و بازیگران روابط بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داد و نظام دوقطبی را به چالش طلبید و باعث تقویت و ظهور بازیگران جدید دولتی (جهان سوم) و غیردولتی (جنیش‌ها و ملت‌ها) در صحنه ساختار بین‌المللی شد و در سطح کارکردی مباحث اصلی عدالت، معنویت، اخلاق، صلح و امنیت را تحت تأثیر قرار داد.

در مجموع نگاه پارادایمی انقلاب اسلامی به روابط بین‌الملل بر تبیین اهمیت قدرت نرم‌افزاری و ارزش‌گرایی یعنی پای‌بندی به اصول و مواضع اخلاقی و نیز فرهنگ‌گرایی به عنوان عامل معنابخشی به نظم نوین متوازن و پایدار استوار است؛ زیرا معتقد است بر اساس اصلاح ساختار و کارکرد نظام بین‌الملل باید به اصلاح ساختارهای فکری و ذهنی از قدرت، و تصحیح ادراک‌های تصویری از دنیای بیرون بر اساس دیپلماسی عمومی، علمی و فرهنگی مبادرت کرد. برای تبیین فرضیه فوق ابتدا به مفاهیم و سپس به تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر ساختار نظام بین‌الملل می‌پردازیم. در ادامه به بررسی عکس‌العمل سایر کشورها در قبال اقدامات انقلاب اسلامی ایران و در خاتمه به نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.



## چارچوب نظری

### ۱. ضرورت تمدن نوین اسلامی در نظام بین‌الملل

فرهنگ اسلامی پیش‌نیاز تمدن اسلامی به شمار می‌رود؛ چون دین الهی اساس مشترك آنهاست و به تعبیری، فرهنگ آنها همان دین است؛ از این رو در يك تمدن دینی، دین فقط يك عامل از عوامل تشکیل‌دهنده فرهنگ نیست، بلکه واقعیت دین‌داری، کل فرهنگ را تشکیل می‌دهد. این تمییزگذاری در نگاه راهبردی، بدان علت اهمیت دارد که امروز افول و عقب‌افتادگی جهان اسلام، در حوزه تمدن اسلامی است، نه فرهنگ اسلامی؛ یعنی این عقیده وجود دارد که در حال حاضر فرهنگ اسلامی از همه فرهنگ‌ها برتر است و این همان معنای حدیث نبوی است که «اسلام برتری می‌گیرد و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد». این برتری به واسطه شامخیت مقام فرهنگ اسلامی است؛ در حالی که تمدن و پیشرفت آن، از يك سو به کوشش خود افراد جوامع بستگی دارد و از سوی دیگر به اوضاع و حوادث دوران‌ها مربوط می‌شود. آیا تأکید بر تحقق تمدن نوین اسلامی، اشاره به يك امر ممکن است یا غیرممکن؟ آیا امت اسلامی می‌تواند منادی تمدن نوینی باشد؟ مبانی و لوازم تمدن‌سازی کدام است؟ با توجه به اینکه نظام حکومت در ایران جمهوری اسلامی است و اسلام به عنوان آیین زندگی و حکومت پذیرفته شده است، آیا دین و نظام حکومتی متکی و مبتنی بر دین می‌تواند تمدن‌ساز باشد؟

با توجه به ضرورت تمدن نوین اسلامی و جایگاه آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به معرفی پیش‌نیازهای ایجاد تمدن اسلامی می‌پردازیم. مهم‌ترین لوازم و پیش‌نیازها عبارت‌اند از:

۱. درک اهمیت و جایگاه تمدن اسلامی؛
۲. توجه به عقل و افزایش وزن آن در مباحث دینی؛
۳. نگاه ارزشمند به میراث گذشتگان و ارزش قائل شدن برای اندوخته‌های معرفتی پیشینیان؛
۴. ایجاد فضای امید و افزایش اعتماد به نفس اسلامی؛
۵. گسترش فضای تحقیق و ترجمه، و توجه به لوازم و شرایط آن؛
۶. گسترش فضای نقد علمی و تبدیل آن به فرهنگ عمومی؛
۷. پرهیز از سیاسی کردن نظریات و دیدگاه‌های علمی (شریفی‌نیا، ۱۳۷۹: ۱۰-۵).

انقلاب اسلامی ملت ایران سرآغازی برای شکل‌گیری امت واحده و برپایی حکومت جهانی اسلام برپایه قرآن و عترت است. موج عظیم انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی، جبهه اسلامی را که جمهوری اسلامی ایران در کانون آن قرار دارد- امروز به عنوان بزرگ‌ترین و جدی‌ترین جبهه معارض استکبار جهانی- شکل داده است. همچنین تجربه موفق جمهوری اسلامی ایران به عنوان نمونه عملی حکومت دینی و اسلامی در عصر حاضر، و تحولات عرصه بین‌الملل، شرایطی مساعد برای دستیابی نظام به اقتدار فرهنگی بین‌المللی فراهم آورده است؛ اما گسترش موج بیداری و حرکت ملت‌ها در جهان اسلام و عرصه بین‌الملل، بیش از آنکه ناشی از حرکتی برنامه‌ریزی شده باشد، نتیجه قهری ظرفیت اسلام ناب، پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار مبانی و استحکام اصول آن، و استمرار ثبات و پیشرفت جمهوری اسلامی ایران و مواضع برحق آن در حمایت از مظلومان و مستضعفان و مقابله با استکبار جهانی بوده است و نظام سلطه امروز با همه توان، یک جبهه عظیم و پیچیده فرهنگی و جنگی تمام‌عیار را با اسلام ناب، گفتمان انقلاب اسلامی، امت مسلمان و ملت‌های حق‌طلب و در رأس همه با ایران اسلامی سازماندهی کرده است. به هر روی شکل دادن به تمدن نوین اسلامی باید مبنای همه برنامه‌ریزی‌های داخلی کشور باشد؛ ولی نوع جهت‌گیری و راهبرد فرهنگی و علمی در خارج از کشور، به ویژه در حوزه جهان اسلام، باید متأثر از این هدف کلی نظام (تمدن‌سازی نوین اسلامی) باشد.

## ۲. مفهوم انقلاب

اگر بخواهیم مفهوم انقلاب را در عرصه روابط بین‌الملل بررسی کنیم، تعریف و معنای آن تا اندازه زیادی بستگی به عرصه‌ای خواهد داشت که این مفهوم را از آنجا گرفته‌ایم. لذا مفهوم دولت، قدرت، نظام و سیستم را در بعد سیاسی مد نظر قرار می‌دهیم. مفهوم انقلاب نیز در چنین حیطه‌ای معنا پیدا خواهد کرد. بنابراین، در بحثی که در اینجا مطرح خواهیم کرد، انقلاب در مفهوم محدود و دقیق خود که اسکاچپل و دیگران تعریف کرده‌اند، یعنی در چارچوب انقلاب‌های اجتماعی و سیاسی مد نظر قرار خواهد گرفت. از این رو، انقلاب در معنای اصطلاحی عبارت است از: تحولی سریع و تغییری اساسی در حکومت و ساختارهای طبقاتی همراه شورش‌های طبقات پایین جامعه. انقلاب‌های اجتماعی از سایر اشکال منازعه



تفکیک‌پذیرند و به خصوص در آنها، دو تقارن و هم‌زمانی چشم‌گیر مشاهده می‌شود: تقارن تغییر و تحول اجتماعی و ساختاری با قیام طبقاتی از یک سو، و تقارن تغییرات سیاسی با تحولات اجتماعی از سوی دیگر. بنابراین انقلاب نه تنها به تغییرات اساسی و بنیادین سیاسی بلکه به دخالت گسترده توده مردم در جریان مبارزه انقلابی برای در تحت کنترل گرفتن قدرت دولت اطلاق می‌شود (هالیدی، ۱۳۷۸: ۲۹).

### ۳. مفهوم تمدن‌سازی

با ظهور انقلاب مبتنی بر اسلام و شکل‌گیری حکومت دینی برآمده از مردم، گفتمان تمدنی ایرانی و اسلامی در قالب تمدن نوین برخاسته و آمیخته از این دو تمدن احیا شد و ایران انقلاب اسلامی، در عمل به احیاگر فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی تبدیل شد. ایران انقلاب اسلامی قطعاً یکی از نیروهای تعیین‌کننده و تأثیرگذار در این حوزه تمدنی بوده و در احیا و پیشبرد آن در عصر جدید نقشی تعیین‌کننده داشته و برای مقاومت و سرپا ماندن در برابر غرب انسان‌محور و ماده‌باور چاره‌ای جز تمدنی اندیشیدن و تمدنی عمل کردن ندارد. اگر این مهم دارای الزاماتی در حوزه‌های مختلف کشوری باشد، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین ارکان آن نظام فکری، معرفتی و تولید دانش است که محفل آن دانشگاه و جامعه دانشگاهی است.

### ۴. مفهوم نظام بین‌الملل

نظام از مجموعه متغیرهای وابسته به یکدیگر تشکیل شده است و هرگونه تغییر در هر یک از عناصر تشکیل‌دهنده نظام به سایر بخش‌های آن نیز سرایت می‌کند و آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نظام بین‌الملل محیطی است که در آن واحدهای سیاست بین‌الملل عمل می‌کنند؛ از این رو رفتارها، جهت‌گیری‌ها، نیت‌ها و خواسته‌های واحدهای مذکور از نظام بین‌المللی تأثیر می‌گیرد (قوام، ۱۳۷۲: ۲۹).

کارکردهای نظام بین‌المللی را باید با توجه به شرایط و مقتضیات حاکم بر سیاست بین‌الملل بررسی کرد. برای نمونه داده‌های سیاست خارجی و رفتار دولت‌ها در زمان جنگ سرد و تنش‌زدایی کاملاً متفاوت بوده است (قوام، ۱۳۷۲: ۳۶). در رشته روابط بین‌الملل، دانشمندان علوم سیاسی معتقد به تقسیم‌بندی نظام بین‌الملل به دو سیستم عینی و تحلیلی هستند:



۱. سیستم عینی ناظر به ساختار، یعنی تعداد و نوع بازیگران نظام بین الملل است که در سه سطح زیر بررسی می‌شوند:

الف) ساختار سیاسی (نحوه توزیع قدرت، سیستم رقابتی و بازیگران روابط بین الملل)؛  
 ب) ساختار اقتصادی (وابستگی نامتقارن اقتصادی و وابستگی اقتصادی)؛  
 ج) ساختار فرهنگی (بحران فرهنگی، مسئله هویت و استقلال فرهنگی).  
 پژوهش حاضر سعی دارد تأثیر انقلاب اسلامی در سیستم عینی را فقط در ساختار سیاسی (نحوه توزیع قدرت و بازیگران روابط بین الملل) بررسی کند.

۲. سیستم تحلیلی: ناظر به کارکرد سیستم بین المللی یعنی نوع اتحادها، همکاری‌ها و روابط متقابل بازیگران اصلی و فرعی است که در سطح کارکردی روابط بین الملل، یعنی سه بحث اصلی عدالت، صلح و امنیت، نمود پیدا می‌کند.

## انقلاب اسلامی و نظام بین الملل

### ۱. سطح ساختار (ساختار سیاسی)

#### الف) توزیع قدرت

- قبل از انقلاب اسلامی: چگونگی توزیع قدرت بعد از جنگ جهانی دوم سبب شکل‌گیری ساختار نظام بین الملل دوقطبی و تشدید وابستگی ساختاری کشورهای ضعیف به کشورهای قوی شد و در نتیجه کشورها به دو قسمت استثمارگر و استثمارشونده تقسیم شدند و کشورهای استثمارگر برای دخالت در کشورهای دیگر، خود را صاحب حق می‌دانستند.

این ساختار پس از جنگ جهانی دوم و در چارچوب جنگ سرد میان دو ابرقدرت آمریکا و شوروی، بر نظام بین الملل سایه افکند. بر این اساس، هریک از کشورها با توجه به عضویت‌شان در یکی از بلوک‌بندی‌های قدرت در نظام بین الملل و ایجاد پیمان‌ها و ائتلاف‌های منطقه‌ای، مواضع منسجم و همگونی را در برخورد با قطب دیگر ارائه می‌کردند (مجرد، ۱۳۸۶: ۵۴-۵۱).

- بعد از پیروزی انقلاب اسلامی: در چنین ساختاری، انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت و نحوه توزیع قدرت را به چالش کشید و آن را با شعار و سیاست «نه شرقی و نه غربی» زیر سؤال برد؛ زیرا از نظر انقلاب اسلامی ایران، آنچه در ساختار سیاسی عینی نظام بین الملل رخ



داده، ناشی از روابط سیاسی نابرابر، اعمال سلطه، نفوذ قدرت‌های بزرگ و وابستگی سیاسی کشورهای تحت سلطه است. بنابراین نحوه توزیع قدرت در ساختار سیاسی روابط بین‌الملل، نابرابر و ناقص حقوق ملت‌ها و کشورهای ضعیف بوده و توزیع منابع مادی و طبیعی قدرت در سطح جهان یکسان نبوده است (مجرد، ۱۳۸۶: ۵۱).

تأثیری که انقلاب اسلامی در مقابله شجاعانه با شوروی‌ها بر مجاهدین افغان و بر نظامیان مسلمان منتقل شده از آسیای مرکزی و قفقاز به افغانستان داشت و موجب انتقال و گسترش این تأثیرات بر جامعه آن کشور شد، زمینه‌های فروپاشی شوروی را فراهم کرد. غرب نیز پس از انقلاب اسلامی با از دست دادن ایران، فروپاشی پیمان‌های منطقه‌ای سنتو و سیتو و در نتیجه فراهم شدن زمینه‌های رشد حرکت‌های استقلال‌خواهی، اسلام‌گرا و ضد غربی، قدرتش در منطقه با چالش جدی مواجه شد.

در نتیجه، قدرت سومی به رهبری انقلاب اسلامی در جهان شکل گرفت که قدرت شرق و غرب را به چالش کشید؛ به گونه‌ای که منطقه‌گرایی، دموکراسی‌گرایی و افول سکولاریسم، یعنی چیزی که انقلاب اسلامی از ابتدای ظهور خود در پی آن بود، در جهان و منطقه گسترش پیدا کرد. به عبارت دیگر، مهم‌ترین نوآوری انقلاب اسلامی این بود که ساختار نظام بین‌الملل را که عمدتاً بر اساس ابزار قدرت مادی شکل گرفته بود، با تکیه بر ابزار معنوی قدرت بر هم زد و نشان داد که می‌توان با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و حرکت‌های توده مردم به قدرت رسید و جامعه را اداره کرد. از این روزنگ خطر جدی برای قدرت‌های سلطه‌گر به صدا درآمد؛ زیرا بیداری اسلامی با وقوع انقلاب اسلامی، شتابی فزاینده گرفت و گستردگی آن نیز بیشتر شد (از شمال آفریقا تا جنوب شرقی آسیا) و ملت‌های مسلمان، سعادت و خوشبختی خود را در بازگشت و توسل به آموزه‌های اسلامی دیدند (محمدی، ۱۳۸۶: ۴۷-۴۶).

انقلاب اسلامی با ارائه الگوی رفتاری جدید برای ملل تحت ستم، در ایجاد اعتماد و بیدارسازی آنها نقش مؤثری ایفا و تلاش کرد افکار عمومی آنها را برای ایجاد تغییر و تحول در ساختار بین‌الملل تحت تأثیر قرار دهد. به علاوه، حمایت ایران از ملت‌های محروم و تحت ستم باعث فعال شدن و تقویت حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی و آزادی‌بخش در جهان و منطقه شد. در این میان تأثیر انقلاب اسلامی بر ملت فلسطین و لبنان بیش از همه چشم‌گیر است (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۱۹-۱۱۰). در جنگ ۳۳ روزه، نظام سلطه امیدواری زیادی



داشت که با شکست و نابودی حزب الله، ضربه‌ای جدی به حرکت و جنبش در حال رشد سلطه‌ستیزان به رهبری ایران اسلامی وارد کند اما با ناکامی جدی مواجه شد، به طوری که بنیادهای اقتدار رژیم صهیونیستی به لرزه درآمد و افسانه شکست‌ناپذیری آن درهم پیچید (محمدی، ۱۳۸۶: ۳۶ و ۴۵).

پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال آن پیروزی نیروهای مقاومت لبنان در سال ۱۹۸۲ روحی تازه بر جان‌های ملت فلسطین دمید و مجدداً در قالب شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی و حماس بروز کرد که انتفاضه اول و دوم را با تکیه بر عملیات جهادی و مقاومت خلق و چنان صهیونیست‌ها را مستأصل کردند که مجبور به تخلیه نوار غزه و تخریب شهرک‌های صهیونیست‌نشین در آن منطقه شدند. بدین ترتیب برای اولین بار ملت فلسطین نه در پای میز مصالحه و سازش، بلکه در سایه مقاومت، جهاد و شهادت، این رژیم را وادار به عقب‌نشینی کرد. به دنبال آن در یک انتخابات آزاد، نیروهای اسلام‌گرا بر نیروهای ملی‌گرا فائق آمدند و دولت فلسطین را در کنترل خود گرفتند (محمدی، ۱۳۸۶: ۳۹-۳۸).

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، حمله آمریکا به افغانستان و عراق در چارچوب طرح «خاورمیانه بزرگ» نه تنها با ناکامی مواجه شد، بلکه موجب آزادی سایر ملت‌های مسلمان منطقه و اقتدار بیشتر این نیروها به ویژه ظهور و شناسایی ایران اسلامی به عنوان قدرت برتر منطقه‌ای شد (محمدی، ۱۳۸۶: ۴۳-۴۲).

بحران‌های شاخ آفریقا یکی از موضوعات مهمی است که در دو دهه اخیر در رسانه‌های گروهی بین‌الملل مطرح بوده است. در سال ۱۹۹۲ آمریکا برای دسترسی به این منطقه راهبردی به بهانه حفظ نظم و حقوق بشر به سومالی حمله کرد، اما مقاومت شدید مردمی چنان عرصه را بر سلطه‌گران سخت کرد که با دادن تعدادی کشته و زخمی از این کشور خارج شدند. در الجزایر و ترکیه نیز نیروهای اسلام‌گرا با استفاده از سازکارهای انتخاباتی تلاش کردند مرحله به مرحله قدرت را از دولت‌های لائیک تحت نفوذ غرب بیرون آورند. ابتدا در انتخابات شهرداری‌ها و سپس در انتخابات پارلمان پیروزی‌های شگفت‌انگیزی به دست آوردند (محمدی، ۱۳۸۶: ۴۰-۳۷).

در آمریکای لاتین هم که به مدت یک قرن و نیم در سایه دکتورین مونروئه، حیاط خلوت آمریکا به حساب می‌آمد، در سال ۱۹۷۹ هم‌زمان با انقلاب اسلامی ایران، انقلاب





نیکاراگوئه بدون حمایت شوروی شکل گرفت و بعد از انقلاب کوبا، دومین ضربه‌ای بود که بر پیکر سلطه در آن منطقه وارد آمد. دیری نپایید موج بیداری و قیام عمومی مردم محروم و استثمارشده این قاره علیه سلطه‌گران آمریکایی آغاز شد که آثار آن در ونزوئلا، بولیوی، اکوادور، شیلی و برزیل موجب به قدرت رسیدن نیروهای مردمی ضد سلطه شد. حتی در این کشورها ملی‌گرایی مترادف ضدیت با آمریکا شده است (محمدی، ۱۳۸۶: ۵۳-۴۸)؛ از این رو همراهی و نزدیکی این کشورها با ایران اسلامی در دهه گذشته در سطح بین‌الملل بسیار گسترده‌تر شد.

در کشورهای غربی نیز در مقابل حرکت سلطه‌گران غربی به نام «جهانی‌سازی»، جنبش مردمی به نام «جنبش ضد جهانی‌سازی» شکل گرفته است که همه ساله در محل اجلاس سران کشورهای صنعتی، با تجمع و انجام تظاهرات گسترده مخالفت خود را ابراز می‌دارند. در کنار این جنبش، شورش مدنی و جنبش «ضد جنگ» نیز عرصه را بر سلطه‌گران حتی در سرزمین‌های خود تنگ‌تر می‌کند (محمدی، ۱۳۸۶: ۵۱).

در مجموع در مقابله با ساختار سلطه نظام بین‌الملل، یک نهضت عمومی در سراسر جهان شکل گرفته و موجب شده است پارامتری جدید و در واقع بازیگرانی تازه غیر از دولت‌ها در صحنه روابط بین‌الملل ظهور یابند که در محاسبات قبلی بازیگران نظام سلطه نمی‌گنجد و معنا و مفهومی نداشت (محمدی، ۱۳۸۶: ۵۳). شرایط جدید منطقه، پیروزی لبنان، غزه و موفقیت‌های ارتش سوریه بر مخالفان این کشور (که از طرف غرب، رژیم صهیونیستی و متحدان عربی آنها حمایت و کمک نظامی، انسانی و اقتصادی می‌شوند)، حمایت کشورهای روسیه، چین، عراق، لبنان، مصر و... از موضع ایران در مورد سوریه، بیداری اسلامی در منطقه و جدایی مصر، تونس، لیبی و یمن از سلطه آمریکا نمونه‌هایی از تأثیر انقلاب ایران بر توزیع قدرت در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای هستند. در واقع ایران توانسته است برتری قدرت غرب در سطح بین‌الملل و منطقه را به چالش بکشد.

## ب) بازیگران روابط بین الملل

- دولت‌ها: دولت عبارت است از عده‌ای مردم که در سرزمین مشخص به طور دائم اسکان دارند و دارای حکومت و حاکمیتی هستند که به صورت روح حاکم و قدرت عالی، آنها را از تعرضات داخلی و خارجی مصون می‌دارد (قوام، ۱۳۷۲: ۱۸). ساختار دولت‌ها در نظام بین‌الملل، در یک تقسیم‌بندی به صورت کلی به دو اردوگاه تقسیم می‌شود: نخست، دولت‌هایی که قدرت دارند و از آن برای استثمار و استیلا بر دیگران استفاده می‌کنند؛ دوم، دولت‌هایی که قدرت ندارند و مورد بهره‌کشی و استثمار قرار می‌گیرند و به تعبیر حضرت امام (ره)، اردوی مستضعفین هستند.

بنابراین انقلاب اسلامی ایران بر اساس اندیشه حضرت امام (ره)، به جای تأکید بر دولت‌ها (تعداد بازیگران)، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های مسلط در نظام بین‌الملل را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و برای مثال، نظام دوقطبی را با طرد ایدئولوژی کمونیسم و کاپیتالیسم با چالش روبه‌رو می‌کند (قوام، ۱۳۷۲: ۲۶۶) و ایدئولوژی و الگوی جدیدی را با عنوان اسلام سیاسی و انقلابی به جهانیان معرفی و نظامی را مطلوب تلقی می‌کند که در آن، قدرت به طور متوازن بین ملت‌ها توزیع شده باشد.

- ملت‌ها: انقلاب اسلامی ایران برای ملت‌ها به عنوان بازیگران غیرحکومتی، اهمیت و ارزش بیشتری قائل است؛ بنابراین خطاب مسئولان انقلاب اسلامی به ویژه حضرت امام (ره) و جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحث صدور اندیشه‌های اسلامی و انقلابی بیشتر ملت‌ها بوده است تا دولت‌ها.

ایدئولوژی انقلاب اسلامی به دلیل دینی بودن، از ابعاد گوناگون خداپرستی و ایمان، استقلال، برابری، آزادی، عدالت و توسعه همه‌جانبه برخوردار است. این ایدئولوژی که ارائه‌دهنده یک راه جدید در اداره کشورها و روابط خارجی آنهاست، توانسته در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، طرفداران بی‌شماری از توده‌های مردم تا نخبگان و حتی نخبگان سیاسی در سراسر جهان بیابد. این مسئله در نقاط مختلف جهان چالش‌های جدی برای غرب ایجاد کرده و به مرور زمان، بر شدت آن افزوده شده است. بدین ترتیب، ماهیت، ایدئولوژی و رهبری انقلاب اسلامی توانسته است در نقاط مختلف جهان، به ویژه جهان اسلام، حرکت‌های اصول‌گرایی اسلامی پدید آورد یا حرکت‌های منفعل قبلی را فعال



سازد. در این میان، پیدایش برخی از این حرکت‌ها، مانند ظهور حرکت‌های اسلامی در فلسطین، لبنان، ترکیه و شمال آفریقا (به ویژه انقلاب مردمی تونس، مصر و لیبی) برای غرب و وابستگی‌ها، خردکننده بوده است (ملکوئیان، ۱۳۸۹: ۵۴، ۵۷، ۵۸).

- سازمان‌های بین‌المللی: سازمان بین‌المللی را می‌توان مجمعی از دولت‌ها دانست که با عقد قرارداد میان اعضا ایجاد می‌شود و با داشتن یک نظام یا مجموعه‌ای از دستگاه‌ها، وظیفه‌اش تعقیب هدف‌های مربوط به مصالح مشترک، از طریق همکاری میان اعضای آن است (آقایی، ۱۳۸۱: ۲۶-۲۵).

سازمان‌های بین‌المللی، هم از رفتار و عملکرد دولت‌ها در رابطه با یکدیگر تأثیر می‌گیرند و هم بر آنها اثر می‌گذارند. بدین لحاظ، اراده، فعالیت، مشارکت و توافق دولت‌ها، نقش‌هایی تعیین‌کننده در شکل‌گیری و استمرار فعالیت سازمان‌های بین‌المللی ایفا می‌کند (آقایی، ۱۳۸۱: ۲۹). مهم‌ترین سازمان‌های بین‌المللی عبارت‌اند از:

۱. سازمان ملل متحد: دیدگاه هیئت حاکمه ایران، پیش از پیروزی انقلاب نسبت به نقش سازمان ملل متحد، تابعی از نظرات و آرای کشورهای غربی بود. با پیروزی انقلاب اسلامی و با نفوذ دولت‌های قدرتمند غربی در سازمان ملل متحد که در بیشتر موارد منجر به اتخاذ مواضع منفی نسبت به جمهوری اسلامی ایران شد، ایران نیز کم‌کم با بدبینی به سازمان ملل متحد نگرست. این امر پس از قضیه اشغال سفارت آمریکا، به ویژه با عدم واکنش مناسب شورای امنیت در تجاوز نظامی عراق به ایران، شدت گرفت (آقایی، ۱۳۸۱: ۸۶)

جمهوری اسلامی ایران به شدت با حق و توحه بر خلاف عقل، منطق و حتی مغایر برخی اصول منشور ملل متحد است، مخالفت می‌ورزد و آن را در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی دنبال می‌کند. از نظر ایران، شورای امنیت نباید به عنوان باشگاه ثروتمندان تلقی شود (ولایتی، ۱۳۷۵: ۱۱).

ایران علاوه بر موارد فوق به تقویت نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اصلاح کار دبیرخانه، روش محاسبه سهمیه کشورها و ادغام بعضی از بخشی‌های سازمان تأکید دارد (ولایتی، ۱۳۷۵: ۱۱).

۲. سازمان همکاری‌های اقتصادی اسلامی: سازمان همکاری اسلامی (OIC) دومین سازمان بین‌دولتی پس از سازمان ملل متحد است با عضویت ۵۷ کشور و با گسترش در



بیش از چهار قاره. این سازمان صدای جمعی جهان اسلام و تضمینی برای حفاظت و حمایت از منافع جهان اسلام در روح ترویج صلح بین‌المللی و هماهنگی میان افراد مختلف جهان است. سازمان بر اساس تصمیم اجلاس تاریخی که در رباط، پادشاهی مغرب، در ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۹ برگزار شد، به عنوان یک نتیجه از آتش‌سوزی جنایی مسجدالاقصی در اشغال بیت‌المقدس تأسیس شد. نام این سازمان از زمان تأسیس در سال ۱۹۶۹ تا سال ۲۰۱۱ سازمان کنفرانس اسلامی بود و سپس به سازمان همکاری اسلامی تغییر یافت (آقای، ۱۳۸۱: ۲۱۸-۲۱۷).

انقلاب اسلامی حامل ارزش‌ها و پیام‌هایی بود که سازمان را از چند جهت تحت فشار قرار می‌داد: اولاً، انقلاب اسلامی حرکتی مردمی و نیرومند براساس اسلام‌خواهی و جمهوری بود. این پیروزی، نظام‌های سنتی و محافظه‌کار مسلط بر سازمان را در شرایط سختی قرار می‌داد. ثانیاً، انقلاب اسلامی با تمام قدرت، تفکر جدیدی برای فراخواندن مسلمانان به وحدت اسلامی مطرح کرد. ثالثاً، ابعاد محافظه‌کارانه و غرب‌گرای سازمان را به باد انتقاد گرفت و خواهان قطع امید مسلمانان از چنین مراکز و خواستار سیاست مستقل (نه شرقی و نه غربی) برای خود و سایر کشورهای مسلمان بود (آقای، ۱۳۸۱: ۲۲۹-۲۲۷).

مهم‌ترین دستاورد این بود که در اجلاس سوم سران در سال ۱۹۸۱ تحت تأثیر و فشار ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی بر اعضای بانفوذ سازمان، برای نخستین بار برای آزادی سرزمین‌های اسلامی فلسطین اعلام جهاد شد (آقای، ۱۳۸۱: ۲۲۹). پس از جنگ تحمیلی، دوره تازه‌ای از روابط ایران و سازمان کنفرانس اسلامی آغاز شد و با ریاست ایران بر سازمان کنفرانس اسلامی در هشتمین اجلاس سران به اوج خود رسید که دارای دستاوردهای مهم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بود (آقای، ۱۳۸۱: ۲۳۶-۲۳۱؛ برهانی، ۱۳۷۸).

**۳. اوپک:** رویکرد انقلابی ایران پیوند سه‌گانه نفت، اقتصاد و امنیت را به هم زد و به طور کلی سیاست اوپک را تغییر داد. ایران در این دوره به یکپارچگی ملل مسلمان منطقه و مبارزه با استثمارگران به خصوص آمریکا تأکید داشت و معتقد بود که باید از نفت و افزایش بهای آن به عنوان ابزاری برای ضربه زدن به غرب و احقاق حقوق مسلمانان استفاده کرد (آقای، ۱۳۸۱: ۲۶۰-۲۵۹). جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضای فعال اوپک، همواره نقش اساسی در تصمیم‌گیری‌ها به ویژه در تعیین قیمت‌ها و هدایت اعضا برای دستیابی به اهداف



استراتژیک سازمان داشته است. حفظ ثبات در بازار جهانی و قیمت‌های نفت نیز از اهمیتی ویژه در دیپلماسی دولت برخوردار بوده و با تلاش‌های ایران بخش اصلی مذاکرات وزرای نفت اوپک به این موضوع اختصاص داشته است (دامن پاک جامی، ۱۳۸۸: ۳۷۴-۳۷۳).

## ۲. سطح کارکرد

در سطح جهانی، سیستمی مطلوب است که کارکرد واقعی آن بتواند عدالت، صلح و امنیت جهانی را برای همه کشورها به ارمغان آورد. باید کارکرد عینی سیستم بین‌الملل بتواند صلح، امنیت، عدالت و منافع را تضمین کند.

انقلاب اسلامی ایران پس از پیروزی، کارکرد نظام بین‌الملل را زیر سؤال برد و آن را با یک چالش جدی مواجه کرد و تعریفی جدید از عدالت، صلح و امنیت در عرصه بین‌الملل ارائه داد. بنابراین تأثیر انقلاب اسلامی در سطح کارکرد نظام بین‌الملل، ذیل دو مسئله عمده عدالت و صلح مطرح می‌شود:

### الف) عدالت

یکی از اهداف مهم در سطح ساختارهای درونی جوامع و نیز در سطح نظام بین‌الملل، تحقق قسط و عدالت بیان شده است. انقلاب اسلامی ایران کارکرد نظام بین‌الملل را به دلیل خودخواهی، دوری از معنویت، برداشت مادی‌گرایانه از عدالت و رفتار ظالمانه قدرت‌های بزرگ در سلطه‌گری، زیر سؤال برد و به چالش کشید.

- عدالت به مفهوم غربی: نخستین فردی که در آستانه مدرنیته به تعریف عدالت دست زده، فیلسوف انگلیسی، توماس هابز است. وی در کتاب *لویاتان*، عدالت را این‌طور تعریف می‌کند: «اینکه انسان‌ها قراردادهای منعقد کرده اجرا کنند» (حاجی حیدر، ۱۳۸۸). برتراند راسل نیز می‌گوید: عدالت عبارت از هر چیزی است که اکثریت مردم آن را عادلانه بدانند یا عبارت از نظامی است که آنچه را که به تصدیق عموم، زمینه‌هایی برای نارضایتی مردم فراهم می‌کند به حداقل برساند (حکیمی، ۱۳۷۶: ۴۴).

نتیجه اینکه مفهوم عدالت نزد اندیشمندان غربی، امری نسبی و به فراخور زمان‌ها، مکان‌ها، اشخاص و اقوام مختلف، قابل تغییر و یک مفهوم مادی و عرفی محض است.



بیشتر حکومت‌های غربی به عناوینی مانند دموکراسی لیبرال، پارلمانی، اقتصاد کلاسیک آدم اسمیت، اخلاقیات ماتریالیستی غربی و... که همه از ریشه سیاسی و اجتماعی اومانیسم نشئت گرفته‌اند، وابسته هستند.

مشکل عدالت بین‌المللی یا جهانی این است که اتفاق نظری بر سر اصول کلی وجود ندارد و سازمان ملل متحد نیز عدالت را بدون پردازش چارچوب مفهومی و معنایی آن، بلکه با روش برهانی و استقرایی مبتنی بر عملکرد ناعادلانه شورای امنیت پی‌ریزی کرده است. بنابراین، عدالت اجتماعی و جهانی از دیدگاه دموکراتیک غربی، نوعی ظلم و بیدادگری نسبت به انسانیت است (موسوی، ۱۳۸۰: ۲۰۷-۲۰۶).

**- عدالت به مفهوم اسلامی: شهید مطهری در کتاب عدل الهی چهار برداشت از عدل را بیان می‌کند:**

۱. موزون بودن؛
۲. تساوی و برابری و رفع تبعیض؛
۳. رعایت حقوق افراد و دادن پاداش و امتیاز بر اساس میزان مشارکت آنها؛
۴. رعایت استحقاق‌ها.

در بحث عدالت اجتماعی، عدالت به معنای تساوی و برابری و رفع تبعیض، به خصوص با توجه به اینکه در این بحث استعدادها و استحقاق‌ها یکسان است، مناسب‌تر خواهد بود. عدالت‌گستری و استقرار نظم مطلوب در سطح نظام بین‌المللی دارای دو بعد ایجابی و سلبی است. وجه سلبی آن متضمن و مستلزم شالوده‌شکنی نظم بین‌المللی است. وجه ایجابی آن نیز تبیین و ترویج و تثبیت نظم عادلانه اسلامی و فراهم کردن لوازم آن در نظام جهانی است. جمهوری اسلامی معتقد است به جای رابطه قدرت که خود عامل بی‌عدالتی است، گفتمان عدالت محور می‌تواند جایگزین مناسبی برای گفتمان قدرت در عرصه بین‌المللی باشد (صادقی، ۱۳۸۸: ۳۰۴-۳۰۲).

حضرت امام(ره) مظاهر سیاسی عصر مانند استعمار، استبداد، ظلم و ستم را نشئت گرفته از مهجوریت عدالت و فراموشی فطرت و توجه به گرایش شدید به دنیا و دنیاگرایی و ماده‌پرستی می‌داند و می‌فرماید: «ما در عصری به سر می‌بریم که سازمان‌های به اصطلاح حقوق بشر،



نگهبان منافع ظالمانه ابرجنایتکاران و مدافع ستمکاری آنان و بستگان آنان هستند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۳/۱۸).

مقام معظم رهبری نیز فساد و قدرت طلبی، فقدان اخلاق و معنویت، بی توجهی به مصالح ملت‌ها، استعمار سایر ملت‌ها، تبعیض نژادی، سلطه رسانه‌ای قدرت‌های استکباری، اعمال زور با ابزار علم و... را از شاخصه‌های بی‌عدالتی در جهان می‌داند (صادقی، ۱۳۸۸: ۵۲۸ - ۵۱۴) و می‌فرماید: «تحقق حقیقی عدالت با دو مفهوم عقلانیت و معنویت به شدت در هم تنیده است...» (جاویدی، ۱۳۸۵: ۳۳، ۹۰ - ۸۹).

در گفتمان انقلاب اسلامی ایران، امروز نماد بی‌عدالتی را می‌توان در رفتار شورای امنیت سازمان ملل و سلطه‌گری آمریکا و رژیم صهیونیستی به عینه مشاهده کرد (مولانا، ۱۳۸۷: ۱۳).

### ب) صلح و امنیت

- صلح از منظر غرب: در فرهنگ سیاسی، صلح به معنای حالت آرامش در روابط عادی با کشورهای دیگر و فقدان جنگ و نیز فقدان نظام تهدید است. مفهوم صلح در جهان معاصر دست‌خوش سه گونه تحول شده است:

الف) تحول در ماهیت صلح یا تحول در نگاه جهانی به مفهوم صلح: مفهوم صلح به لحاظ ماهوی متحول شده است. نگاه امروزی به ماهیت صلح نگاهی متفاوت از گذشته است. صلح منفی «مفهوم سنتی»: یعنی عدم جنگ؛ هرگاه کشوری مورد تهدید، توسل به زور یا اعمال خشونت و تجاوز قرار نگیرد صلح تحقق یافته است. [چنین برداشتی از صلح را گالتونگ صلح منفی می‌نامد «رویکردی حداقلی»].

صلح مثبت: به معنی استقرار نظام اجتماعی انسانی که دربردارنده سه مشخصه اصلی فقدان اعمال زور، آزادی فردی و عدالت اجتماعی و مبتنی بر گذار از حداقل شرایط صلح به سمت حداکثرسازی وضعیت‌هایی است که در آن زندگی پایدار بشر در همه محیط‌های سیاسی، فرهنگی، تمدنی و جغرافیایی میسر شود (ساعد، بی‌تا: ۷ - ۶).

ب) تحول مصداقی: مراد از این تحول، گسترش دامنه صلح منفی از مخاصمات بین‌المللی به مخاصمات غیربین‌المللی است.



ج) تحول در اهداف و انگیزه‌های صلح: در حقوق بین‌الملل سنتی برخورد با پدیده صلح تقلیل‌گرا و هدف همه تلاش‌ها و تدابیری که به منظور استقرار صلح انجام می‌شد حفظ امنیت ملی بود (بوتول، ۱۳۷۱: ۱۲۵-۱۲۴).

شورای امنیت به دلیل سلطه غرب و آمریکا بر آن، اغلب در زمینه صلح منفی اقدام کرده است. سازمان ملل متحد نیز صلح را بدون پردازش چارچوب مفهومی و معنایی آن، بلکه با روش برهانی و استقرایی مبتنی بر عملکرد ناعادلانه شورای امنیت پی‌ریزی کرده است. در نتیجه ادراک معنایی روشن و عام از این مقوله و همچنین ارتباطی که با مسئله «امنیت بین‌المللی» دارد کاملاً در انحصار عملکرد خاص شورای امنیت درآمده است (ساعد، بی تا: ۱۶).

- صلح از نظر اسلام: صلح از نظر اسلام عبارت است از: همزیستی و سازشی که نام خدا را که عبارت از عدالت اجتماعی و امنیت عمومی برای مردم است، روی کره زمین برقرار سازد، نه صرف خودداری از جنگ، به هر قیمتی که تمام شود (سید قطب، ۱۳۷۴: ۶۲).

از منظر رهبر کبیر انقلاب اسلامی، صلح و امنیت به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی در روابط بین‌الملل محسوب می‌شود و تنها استثنای آن که جنگ را مجاز می‌داند، دفاع مشروع جمعی و فردی است که به عنوان ضرورت حفظ اساس دین و حفظ قلمرو، به کار گرفته می‌شود (ستوده و دانشیار، ۱۳۸۸: ۳۶).

انقلاب اسلامی کارکرد نظام بین‌الملل برای برقراری صلح و امنیت جهانی را زیر سؤال می‌برد و صلح عادلانه را مطرح می‌کند. گفتمان صلح عادلانه، تلاقی عدالت با مقوله صلح انسانی است که در آن عدالت به مثابه هدف و صلح به عنوان وسیله تلقی می‌شود. از دید انقلاب اسلامی، ساختار نظام بین‌الملل خود عامل تهدیدکننده صلح و امنیت جهانی است و برقراری صلح و روابط مسالمت‌آمیز فقط از طریق مقابله با ظلم و ستمگری امکان‌پذیر است.

اصالت و نوآوری گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه سلطه‌ستیزی و کوشش برای صلح و آرامش، همان قدر که قدرت و مشروعیت سلطه‌گران و دستگاه‌های تبلیغاتی آنها را به تکاپو انداخته است، گفتمان انقلاب اسلامی را نیز بین قشرهای مختلف ملل، به ویژه نزد ملت‌ها و گروه‌هایی که سال‌ها تحت استعمار و استثمار بوده‌اند، با استقبال توأم با هیجان فوق‌العاده روبه‌رو کرده است (مولانا، ۱۳۸۸: ۱۰۱).





## کارکرد ایجابی انقلاب اسلامی ایران

سؤالی که در اینجا باید به آن پاسخ دهیم این است که «کارکرد ایجابی انقلاب اسلامی ایران چه بوده است و چقدر توانسته است در وضع موجود، تغییرات به وجود آورد؟».

انقلاب اسلامی ایران ابتدا با اشغال سفارت آمریکا در تهران به سرعت اقتدار آمریکایی‌ها در منطقه و جهان را مورد تردید جدی قرار داد و ارباب آمریکایی‌ها برای اولین بار بی‌پاسخ ماند. اساساً بازدارندگی از نظر آمریکایی‌ها، یعنی درک قدرت آنها توسط طرف مقابل و بزرگ‌ترین شکست برای آمریکایی‌ها وقتی است که قدرت و ارباب آنها توسط طرف مقابل درک نشود و این ناشی از شناخت عمیق امام از مفهوم قدرت در روابط بین‌الملل بود (سلامی، ۱۳۸۱: ۲۰۸).

دوم، انقلاب اسلامی ایران مسیر مبارزه علیه رژیم صهیونیستی را از یک مسیر ملی‌گرایی عربی مرده منجمد به یک روند اسلام‌گرایی تغییر داد. برای جهانی‌سازی مبارزه با صهیونیسم، حضرت امام (ره) آخرین روز جمعه ماه مبارک رمضان را به عنوان «روز جهانی قدس» اعلام کرد. افزون بر این، احیای مراسم برائت از مشرکین در حج ابراهیمی و ابراز انزجار مسلمانان از جنایت‌های رژیم صهیونیستی و... موجی از خشم و وحشت را میان سران رژیم صهیونیستی در قبال انقلاب اسلامی به وجود آورد (مجرد، ۱۳۸۶: ۱۳۵-۱۳۳). حزب‌الله به عنوان اولین نماد یک سازمان پیروز علیه رژیم صهیونیستی که افسانه شکست‌ناپذیری این رژیم را بر هم زد، مولود انقلاب اسلامی است (مجرد، ۱۳۸۶: ۲۱۰).

سوم، وقوع انقلاب ایران راهبردهای منطقه‌ای دو ابرقدرت را دچار تغییر کرد و سپس باعث تغییراتی در راهبردهای جهانی آنها شد. در رابطه با بلوک غرب، انقلاب اسلامی در کشوری که ژاندارم آمریکا در منطقه بود و باید در برابر حرکت‌های ضد غربی می‌ایستاد، اتفاق افتاد. بنابراین، بلافاصله با انحلال دکترین نیکسون، شکاف آشکار قدرت در منطقه پدید آمد. ضمناً ایران به سرعت از پیمان سنتو خارج و باعث فروپاشی آن شد و بدین وسیله بین پیمان‌های ناتو و سیتو فاصله افتاد.

در رابطه با بلوک شرق، با پیروزی انقلاب اسلامی، امنیت داخلی و منافع جهانی شوروی تحت تأثیر قرار گرفت. انقلاب اسلامی با تغییر ایدئولوژی و ماهیت حرکت‌های انقلابی در جهان اسلام که بسیاری از آنها قبلاً کمونیست بودند یا به شوروی گرایش داشتند، نفوذ



بین‌المللی این کشور را تضعیف کرد و بدین گونه در شمار علل فروپاشی اتحاد شوروی قرار گرفت (ملکوتیان، ۱۳۸۱: ۸۲).

چهارم، فعال شدن جنبش بنیادگرایی اسلامی در سه دهه گذشته را می‌توان بازگشت به هویت اسلامی و متأثر از الگوهای رفتاری انقلاب ایران دانست. حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی، مانند نهضت ملی فلسطین، نهضت اخوان المسلمین و جماعه المسلمین در قرن بیستم همواره نمادی از احیاء و مبارزه علیه استعمار و استبداد برای وحدت مسلمانان بوده‌اند (ستوده و دانشیار، ۱۳۸۰: ش ۱۶، ۱۶۸-۱۶۷).

انقلاب اسلامی همچنین با ارائه خط‌مشی و راهبردهایی همچون دعوت از ملت‌ها برای بازگشت به ارزش‌های اصیل‌شان، بیان آثار سوء و مخرب سلطه قدرت‌های استکباری بر ملت‌ها، به کارگیری واژه‌های قرآنی استکبار و طاغوت برای استکبار جهانی، ارائه تجربه خویش در مبارزه با قدرت‌های بزرگ و دعوت از ملت‌های تحت سلطه برای الگوگیری از انقلاب اسلامی، اقدام به «ایجاد فرهنگ و تفکر ظلم‌ستیزی و نفی سلطه در جهان» کرد و به ملت‌های مسلمان این حقیقت را فهماند که تنها بازگشت به دین و ارزش‌های اسلامی می‌تواند راهگشای مشکلات و تأمین‌کننده مصالح آنها باشد (مجرد، ۱۳۸۶: ۱۳۸-۱۳۷).

در مجموع با توجه به کارکرد ایجابی انقلاب اسلامی ایران، جامعه جهانی شاهد شکل‌گیری و صف‌بندی دو اردوگاه در مقابل یکدیگر است. در یکی از اردوگاه‌ها دولت‌های سلطه‌گر و دولت‌های وابسته به سلطه‌گران حضور دارند و اردوگاه دیگر ملت‌ها و گروه‌های اجتماعی و دولت‌های برخاسته از درون توده‌های مردم که ستیز خود را با نظام سلطه آغاز کرده‌اند و در حال گسترش‌اند.

### ۱. اردوگاه سلطه‌گران

می‌توان مدعی شد رهبری نظام سلطه در این دوران با آمریکا است که هم دارای قدرت سخت‌افزاری غالب و هم دارای انگیزه لازم برای استقرار در چنین جایگاهی است. در حلقه دوم سلطه‌گران، اتحادیه اروپا به ویژه قدرت‌های صاحب حق و تو مانند انگلیس و فرانسه و تا حدودی آلمان قرار گرفته‌اند. در حلقه سوم، دولت‌های توسعه‌یافته و غیرغربی مانند ژاپن، چین و روسیه مشاهده می‌شوند و در حلقه چهارم نیز دولت‌های وابسته و تحت نفوذ غرب



هستند که دوام و بقای خود را در پشتیبانی و حمایت نظام سلطه می‌بینند و در نتیجه خود به عنوان مهره‌هایی در خدمت سلطه‌گران عمل می‌کنند (محمدی، ۱۳۸۶: ۵۵-۵۴).

## ۲. اردوگاه سلطه‌ستیز

تحلیل انقلاب اسلامی در سطح کلان نشان می‌دهد که انقلاب ایران اساساً در تعارض با نظام بین‌الملل رخ داد و ارزش‌ها و هنجارهایی را مطرح کرد که با منافع قدرت‌های سلطه‌گر تعارض داشت. برخی از این ارزش‌ها عبارت‌اند از: استقلال، آزادی، عدالت، حق تعیین سرنوشت، همبستگی و اتحاد مستضعفان، بیداری مسلمانان، حقانیت ملت‌های محروم، حق طلبی، همکاری، همیاری و از طرف دیگر، مبارزه علیه قدرت طلبی، غارتگری، زورگویی، انحصارطلبی، پایگاه خارجی، تجاوز، امپریالیسم، استعمار، جهالت، تفرقه و اختلاف. انقلاب اسلامی ایران تلاش کرده است با طرح این ارزش‌ها، افکار عمومی ملت‌های محروم و مستضعف جهان سوم را برای تغییر و تحول نظام بین‌الملل تحت تأثیر قرار دهد و ارزش‌های مطرح‌شده را از طریق تبلیغ و الگودهی به هنجار تبدیل کند (مجرد، ۱۳۸۶: ۱۱۱). ایران اسلامی امروز به عنوان قدرت برتر منطقه به رسمیت شناخته شده است و ملت‌های جهان به مواضع این کشور نگاه می‌کنند و می‌توان ادعا کرد نبض ملت‌های محروم جهان با نبض ملت ایران در طپش است (محمدی، ۱۳۸۶: ۶۱).

شیعیان جهان، حلقه دوم این جبهه را تشکیل می‌دهند؛ زیرا اصولاً مکتب تشیع از دل اعتراض و مقابله با نظام‌های سلطه‌گر بیرون آمده است. در حلقه سوم این جبهه، سایر مسلمانان که جمعیتی بیش از یک میلیارد نفر را تشکیل می‌دهند، قرار دارند. در حلقه چهارم نیز ملت‌های محروم و زجرکشیده غیر مسلمان در جهان سوم قرار دارند که طعم استثمار و بهره‌کشی نظام سلطه را در طول چند قرن اخیر کشیده‌اند و در نهایت در حلقه پنجم، توده‌های مردم در کشورهای توسعه‌یافته قرار دارند که در تأمین نیازهای دولت‌های سلطه‌گرا باید به عنوان سیاهی لشکر مورد استفاده قرار گیرند که نمونه آن جنبش‌های ضد جنگ، ضد جهانی‌سازی و... است (محمدی، ۱۳۸۶: ۶۳-۶۱).



## نتیجه گیری

انقلاب اسلامی ایران به دلیل داشتن ماهیت اسلامی، دارای جنبه جهان‌شمولی است و با نگاه و بینش جهانی خود، نقش‌ها و رسالت‌هایی را در قبال جهان برای خود طراحی کرده و اصولی را به عنوان سیاست خارجی خود برگزیده و در راستای تحقق آنها گام برداشته و برمی‌دارد که باعث شده است انقلاب اسلامی منشأ تأثیرات، تغییرات و تحولات متعددی بر نظام بین‌الملل باشد. از جمله این تأثیرات مهم به چالش کشیدن و زیر سؤال بردن ساختار سیاسی و کارکرد نظام بین‌الملل، مورد تردید جدی قرار گرفتن اقتدار آمریکایی‌ها در منطقه و جهان، بی‌اعتباری نظام دوقطبی حاکم بر جهان و ارائه راه سوم، جهانی‌سازی مبارزه با صهیونیسم، تغییر راهبردهای منطقه‌ای دو ابرقدرت، فروپاشی اتحاد شوروی، بیداری اسلامی در منطقه و جهان است.

انقلاب اسلامی همچنین با ارائه خط‌مشی و راهبردهایی همچون دعوت از ملت‌ها برای بازگشت به ارزش‌های اصیل‌شان، و بیان آثار سوء و مخرب سلطه قدرت‌های استکباری بر ملت‌ها، اقدام به «ایجاد فرهنگ و تفکر ظلم‌ستیزی و نفی سلطه در جهان» کرد و به ملت‌های مسلمان این حقیقت را فهماند که تنها بازگشت به دین و ارزش‌های اسلامی می‌تواند راهگشای مشکلات و تأمین‌کننده مصالح آنها باشد.

در مقابل، قدرت‌های ضد انقلاب و سلطه‌گر (طرفدار وضع موجود به رهبری آمریکا) بلافاصله درصدد برآمدند از گسترش انقلاب اسلامی جلوگیری و در صورت امکان، حتی انقلاب اسلامی را سرنگون کنند که این تقابل همچنان وجود دارد.



## منابع فارسی

- آخوندی ممقانی، حسین (بی تا)، بازتاب انقلاب اسلامی بر راهبردهای آمریکا در منطقه خلیج فارس، پایان نامه، قم: انتشارات دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- آقایی، سید داوود (۱۳۸۱)، ایران و سازمان‌های بین‌المللی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- احمدی، حسین پور (۱۳۸۶)، انقلاب اسلامی و نظام در بازتاب فرایند جهانی شدن همسویی، تقابل یا تعامل، تهران: نشر عروج.
- اردستانی، حسین (۱۳۷۸)، «جنگ تحمیلی، تأثیر تحولات صحنه نبرد بر استراتژی قدرت‌های بزرگ»، فصلنامه امنیت ملی، س اول، ش اول، پاییز.
- اسپوزیتو، جان. ال. (۱۳۸۲)، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، تهران: باز.
- انتشارات علمی و فرهنگی (۱۳۸۸)، بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل، تهران.
- باقری، علی (۱۳۷۶)، مبانی عدالت اقتصادی در اسلام و سایر مکاتب، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- بختیاری، صادق (۱۳۸۲)، تحلیلی از توزیع درآمد با استفاده از روش پارامتریک، تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- برهانی، هادی (۱۳۷۸)، «نگاهی به ریاست ایران بر سازمان کنفرانس اسلامی در میانه راه»، فصلنامه خاورمیانه، ش ۱۹.
- بوتول، گاستون (۱۳۷۱)، جامعه‌شناسی صلح، ترجمه دکتر هوشنگ فرخجسته، تهران: نشر شیفته.
- پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (۱۳۸۷)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران.
- جاویدی، مجتبی (۱۳۸۵)، قاموس عدالت؛ بررسی مبانی نظری و عملی مفهوم عدالت در کلام مقام معظم رهبری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰)، نظریه عدالت؛ از دیدگاه فارابی، امام خمینی، شهید صدر، تهران: پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- حاجی حیدر، حمید (۱۳۸۸)، «تحول تاریخی مفهوم عدالت»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۴۵.
- حسینی اسفیداواجانی، مهدی (۱۳۸۵)، «سیاست خارجی ایران و نظام بین‌الملل کنونی»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۲۲۵، خرداد و تیر.



- حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۶)، «حقوق و عدالت»، نقد و نظر، ش ۳-۲، بهار و تابستان.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۷۶)، تفسیر سوره حمد، چ ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۷۹)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- داستانی بیرکی، علی (۱۳۸۱)، سیاست خارجی و روابط بین الملل از دیدگاه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تبیان دفتر ۲۸.
- دامن پاک جامی، مرتضی (۱۳۸۸)، «دیپلماسی انرژی دولت نهم»، مجموعه مقالات گزارش جمهور؛ مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین الملل، تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۶۱)، انقلاب اسلامی و وضع کنونی عالم، تهران: مرکز فرهنگی علامه طباطبایی.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۹)، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- زلال کوثر (۱۳۸۱)، انقلاب اسلامی و بازتاب آن، قم.
- ساعد، نادر (بی تا)، درآمدی بر چارچوب‌های مفهومی گفتمان صلح عادلانه، به نقل از سایت مجمع جهانی صلح اسلامی.
- ستوده، محمد (۱۳۸۵)، تحولات نظام بین الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: بوستان کتاب.
- ستوده، محمد و علیرضا دانشیار (۱۳۸۰)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ساختار نظام بین الملل»، مجله علوم سیاسی، ش ۱۶، زمستان.
- سجادی، سیدجعفر (۱۳۶۱ق)، فرهنگ علوم عقلی، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- سلامی، حسین (۱۳۸۱)، «تأثیر انقلاب اسلامی بر تحولات منطقه و جهان»، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، ش ۴، زمستان.
- شریفی نیا، محمدحسین (۱۳۷۹)، «به سوی تمدن اسلامی، ضرورت‌ها و بایسته‌ها»، روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۲۳.



- صادقی، زهرا (۱۳۸۸)، «تبیین صلح و عدالت در سیاست خارجی دولت نهم»، مجله راهبرد یاس، ش ۱۷، بهار.

- طباطبایی، سیدمحمدحسین (بی تا)، تفسیر المیزان، ج ۱۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- علی بابایی، غلامرضا (۱۳۸۳)، فرهنگ روابط بین الملل، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

- فراتی، عبدالوهاب (۱۳۸۱)، انقلاب اسلامی و بازتاب آن، قم: انجمن معارف اسلامی ایران.

- قطب، سید (۱۳۷۴)، اسلام و صلح جهانی، ترجمه خسروشاهی و زین العابدین قربانی، چ ۶،

تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۲)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران: سمت.

- کدیور، جمیله (۱۳۷۴)، رویارویی انقلاب اسلامی در ایران و امریکا، تهران: اطلاعات.

- له دین، مایکل و لوئیس ویلتام (۱۳۶۲)، هزیمت یا شکست رسوای امریکا، ترجمه احمد

سمیعی، تهران: نشر ناشر.

- متقی، ابراهیم (۱۳۷۶)، تحولات سیاست خارجی: مداخله گرایی و گسترش، تهران: مرکز اسناد

انقلاب اسلامی.

- متقی نژاد، سیدمحمدعلی (۱۳۸۸)، «نقش دولت نهم در پویایی جنبش عدم تعهد»، مجموعه

مقالات گزارش جمهور؛ مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین الملل، تهران:

مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.

- مجرد، محسن (۱۳۸۶)، تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین الملل، تهران: مرکز اسناد انقلاب

اسلامی.

- مجیدی، محمدرضا (۱۳۸۸)، «دیپلماسی چندجانبه دولت نهم در یونسکو»، مجموعه مقالات

گزارش جمهور؛ مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین الملل، تهران: مرکز

پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.

- محمدی، منوچهر (۱۳۷۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دادگستر.

- مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری (۱۳۸۸)، «دولت نهم و نظام بین الملل»، مجموعه مقالات

گزارش جمهور؛ مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین الملل، تهران.

- مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری (۱۳۸۸)، «مؤلفه های بنیادین در سیاست خارجی دولت

نهم»، مجموعه مقالات گزارش جمهور؛ مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط

بین‌الملل، تهران.

- مرکز رسیدگی به امور مساجد (۱۳۷۸)، دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در گستره جهان، ج ۱، تهران.
- مطالعات انقلاب اسلامی (فصلنامه)، (۱۳۸۸)، «آسیب‌شناسی روابط بین‌الملل از دیدگاه امام (ره)»، س ۶، ش ۱۹، زمستان.
- معین، محمد (۱۳۶۲)، فرهنگ فارسی معین، ج ۲، تهران: مؤسسه امیرکبیر.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۴)، «تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی»، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۱، تابستان.
- موسوی، سید جمال‌الدین (۱۳۸۰)، عدالت اجتماعی در اسلام، تهران: مؤسسه دانش و اندیشه معاصر.
- مولانا، سیدحمید (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر عدل و صلح، تهران: نشر جمهوری.
- نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۷۳)، مبانی جامعه‌شناختی، تهران: رایزن.
- هالیدی، فرد (۱۳۷۸)، «انقلاب و روابط بین‌الملل»، ترجمه اخوان کاظمی، مجله انقلاب، س اول، ش سوم، پاییز.
- هلباوی، کمال (۱۳۹۰)، همایش بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه، تهران، ۲۸ خرداد.
- وزارت امور خارجه (۱۳۸۶)، آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۷۵)، «اهم مسائل مطرح در سازمان ملل متحد و دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد، س اول، ش ۴-۳، پاییز و زمستان.

